

مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در
نوجوانان درگیر و غیردرگیر در پدیده زورگویی*

Comparison of Attachment to Parents, Peers and Siblings in the
Involved and Noninvolved Adolescents in Bullying

H. Biabani Aliabad, MSc.

حلیمه بیابانی علی آباد ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یزد

S. Asadi, Ph.D.

دکتر سمانه اسعدی

استادیار دانشگاه یزد

K. Barzegar Bafruee, Ph.D.

دکتر کاظم برزگر بفرویی

استادیار دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۹۵/۲/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۵/۶/۶

پذیرش مقاله: ۹۵/۷/۳

Abstract

The aim of this study was to compare attachment to parents, peers and siblings among involved (bullying, victim, and bullying-victim) and noninvolved in bullying in Yazd city. All of male and female students in the academic year 2013-2014 in Yazd included research population. A sample of 384 students were selected randomly through cluster sampling. Participants answered a sociometric questionnaire and

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در نوجوانان درگیر (زورگو، قربانی و زورگو - قربانی) و غیر درگیر شهر یزد صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش تمامی دانش آموزان دختر و پسر شهر یزد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند. نمونه شامل ۳۸۴ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان مورد جامعه‌سنجی قرار گرفتند و پرسش‌نامه خودگزارشی سنجش روابط همگنان،

* این پژوهش مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه یزد می‌باشد.

✉Corresponding author: Yazd University, Alam Square, Safaeih, Yazd, Iran.
Email: atefeh.biabani20@gmail.com

✉نویسنده مسئول: یزد، صفائیه، میدان عالم، دانشگاه یزد
پست الکترونیکی: atefeh.biabani20@gmail.com

also completed the Peer Relationship Questionnaire, the Inventory of Parents and Peer Attachment, and the Inventory of Siblings Attachment. Multivariate analysis (MANOVA) indicated that there were significant differences in attachment to parents, peers and siblings between involved adolescents in bullying and noninvolved ones ($p > 0/0001$). Regarding the attachment to parents, peers and siblings, noninvolved group scored higher than the involved groups. Also, among involved groups, the bully and the victim-bully groups received higher scores in attachment to mother prior to the peer attachment. Finally, the attachment to siblings in both groups was the lowest scores of attachment.

Keywords: Attachment, Bullying, Victim, Bullying-Victim, Adolescents

پرسش‌نامه دلبستگی به والدین، همسال و خواهر و برادر را پر کردند. آزمون مانوا نشان داد در میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران بین نوجوانان درگیر و غیر درگیر در زورگویی تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/0001$). گروه غیر درگیر در مقایسه با گروه‌های درگیر، نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به والدین نسبت به گروه همسالان و خواهران و برادران به دست آوردند. همچنین در میان گروه‌های درگیر، گروه زورگو و زورگو - قربانی بعد از دلبستگی به مادر نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به همسالان کسب کردند. در نهایت، میزان دلبستگی به خواهران و برادران در همه گروه‌ها کمترین میزان نمرات دلبستگی را به خود اختصاص داد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی، زورگویی، قربانی، زورگویی - قربانی، نوجوانان.

مقدمه

رابطه بین فردی تعاملی‌گزینشی، نظام‌مند و منحصر به فرد است که باعث شکل‌گیری شناخت طرفین از یکدیگر، پیدایش معانی و نظرات مشترک در بین آن‌ها و در نتیجه ایجاد رابطه به سبک‌ها و شیوه‌های متفاوت می‌شود (ساجدی، آتش‌پور، کامکار و صمصام شریعت^۱، ۱۳۸۸). در این میان رابطه با والدین، همسالان و خواهر و برادران از جمله مهم‌ترین بسترهای اجتماعی رشد به شمار می‌آید که البته همواره در جهت مثبت پیش نمی‌رود و ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. مشکلات بین فردی مجموعه رفتارهایی است که در مسیر برقراری روابط سالم، مشارکت با دیگران، همکاری، تمجید و قدردانی از دیگران مانع ایجاد می‌کند و واکنش‌های اجتماعی نامعقولی را به همراه دارد (هلر و بیکر^۲، ۲۰۱۰). معمولاً روابط اولیه در درون خانواده شکل می‌گیرد، اما به موازات رشد فرد، ارتباط او با همسالان اهمیت بسیاری پیدا می‌کند (رایس^۳، ترجمه فروغان^۴، ۱۳۸۷؛ استکی

آزاد^۵، ۱۳۹۰) که با توجه به واقعیت‌های زندگی دوره نوجوانی و پیشینه‌های پژوهشی موجود، امروزه از پدیده زورگویی و قربانی شدن در روابط بین‌فردی همسالان به عنوان یک پدیده در حال گسترش یاد می‌شود. زورگویی^۶ به طور گسترده به عنوان هر نوع رفتار فیزیکی، کلامی یا روانی عمدی و تکرارشونده تعریف شده است که توسط یک نوجوان (گروهی از نوجوانان) قوی‌تر و قدرتمندتر به سمت نوجوان دیگری که تصور می‌شود آسیب‌پذیر و مطیع باشد، انجام می‌گیرد و موجب ضربه دیدن آن نوجوان می‌شود (کاکینوز^۷، ۲۰۱۳).

در مقابل هر فرد زورگو شخصی وجود دارد که از زورگویی آسیب می‌بیند. زمانی که فرد یا گروهی علیه یک نفر کلمات معنی‌دار و زننده به کار ببرند یا او را مورد تمسخر قرار دهند و برای او القاب بد در نظر بگیرند، او را از گروه دوستان حذف کنند، کتک بزنند یا علیه او شایعه‌پراکنی کنند، وی را قربانی پدیده زورگویی قرار داده‌اند (هدایی^۸، ۱۳۹۰). در واقع بین دو نقش عمده در زورگویی؛ «نقش قربانی» برای فردی که یک یا چند بار در هفته و حداقل به مدت سه ماه زورگویی را تجربه می‌کند و «نقش زورگویی» برای افرادی که یک یا چند بار در هفته و به مدت سه ماه به همسالان خود زور می‌گویند؛ باید تفاوت قائل شد. در این پدیده دسته دیگر افرادی هستند که هر دو نقش «زورگو - قربانی» را ایفا می‌کنند. فردی که نقش زورگو - قربانی را ایفا می‌کند، بیش از دو گروه دیگر افسرده بوده و میزان بالایی از علائم فیزیکی ناشی از اضطراب را نشان می‌دهد (جرجیو و استاورینیدس^۹، ۲۰۰۸). هرچند یافته‌ها درباره شیوع زورگویی یکدست نیستند، اما به طور کلی پژوهش‌ها نشان داده‌اند ۲۰ تا ۵۴٪ از دانش‌آموزان به طور مداوم یا به دیگران زور می‌گویند و یا قربانی زورگویی می‌شوند.

پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف، مقادیر متفاوتی را گزارش کرده‌اند. برای مثال در کانادا، ۸ تا ۹٪ از کودکان مدارس ابتدایی به طور منظم (هفته‌ای یک بار یا بیشتر) قربانی زورگویی بوده‌اند (بنتلی و لی^{۱۱}، ۱۹۹۵). در استرالیا، ریگی و اسلی^{۱۲} (به نقل از پورسید، امیری و مولوی^{۱۳}، ۱۳۸۹) از پاسخ‌دهندگان خواستند تا درصدی از هم‌کلاسی‌هایشان که از سوی دانش‌آموزان دیگر مورد زورگویی قرار می‌گیرند را مشخص کنند. میانگین درصد در هر کلاس برای دختران ۱۰/۶٪ و برای پسران ۱۱٪ بود. در آمریکا این میزان در حدود ۱۰٪ گزارش شده است (کانتر^{۱۴}، به نقل از بیتی و الکسیف^{۱۵}، ۲۰۰۸). در ایران نیز چندین پژوهش آمارهای مشابهی ذکر کرده‌اند. برای مثال زندوانیان، دریاپور و جباری‌فر^{۱۶} (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میزان زورگویی در دبیرستان‌های شهر یزد ۱۷/۱٪، قربانی ۲۵/۳٪ و زورگو - قربانی ۶/۹٪ است. هم‌چنین ایوبی، نظرزاده، بیدل، بهرامی، تزوال، رحیمی^{۱۷} و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود میزان شیوع زورگویی را در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر زنجان ۲۶/۳٪ گزارش کرده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع زورگویی و گروه‌ها و دسته‌های درگیر و غیر درگیر در آن، باید به این نکته نیز اشاره کرد که

زورگویی در انزوا رخ نمی‌دهد و باید از دیدگاه زیست محیطی که به طور مشترک در درون خانواده، همسالان، مدرسه و جامعه اتفاق می‌افتد، مورد مطالعه قرار گیرد (اسپلیج و اسویرر^{۱۸}، ۲۰۰۳). بنابراین، درک بهتر از عواملی که ممکن است زورگویی را تحت تأثیر قرار دهد با توجه به پیامدهای منفی آن برای رفاه و سلامت فرد و جامعه مهم است (لدول و کینگ^{۱۹}، ۲۰۱۳). در این راستا، پژوهش‌ها به نقش مؤثر سه محیط از جمله خانواده، همسالان و مدرسه در شکل‌گیری رفتار زورگویی اشاره داشته‌اند. محیط خانواده‌ای که نوجوانان در آن زندگی می‌کنند و تعامل بین نوجوان و اعضای خانواده می‌تواند به راه‌های مختلف بر رفتار زورگویی تأثیر بگذارد (برونفن برنر^{۲۰}، ۱۹۹۷؛ اسمیت و مایرون ویلسون^{۲۱}، ۱۹۹۸).

والدین از جمله اولین افرادی هستند که با کودکان ارتباط برقرار می‌کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده کودک دارند. تجارب نشان داده است که شرایط نامطلوب در طول سال‌های اولیه رشد می‌تواند اثرات بلندمدتی روی صفات مختلف کودکان داشته باشد (سانچز - ماکوزت و دراموند^{۲۲}، ۲۰۱۱). مطابق نظریه بالبی، انسان با یک سیستم روانی - زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. این سیستم، ارزش سازگاری داشته و فرد را به حفظ نزدیکی و هم‌جواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دلبستگی (افرادی که کودک می‌تواند در موقعیت‌های تهدیدآمیز نزدیک آن‌ها بماند) سوق می‌دهد تا شانس او برای سازش‌یافتگی و بقا افزایش یابد. هدف این سیستم در کودک، دستیابی به احساس ایمنی و حمایت‌شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است (ایزدی طامه، نعمتی دهکردی و نعمتی دهکردی^{۲۳}، ۱۳۹۲). در حقیقت دلبستگی، پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا چند نفر از افرادی که کودک در تعامل منظم و همیشگی با آن‌ها است، ایجاد می‌شود (میرهاشمی و نیکخو^{۲۴}، ۱۳۸۶).

هرچند مطالعات انجام‌شده در حوزه زورگویی و ارتباط آن با دلبستگی محدود است، اما شمار اندکی از مطالعات تا حدودی به این پدیده و ارتباط آن با دلبستگی پرداخته‌اند. به عنوان مثال شتگیری، لین، آویلا و فلورس^{۲۵} (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که گفت‌وگو و روابط نزدیک والدین با فرزندان از زورگویی آن‌ها جلوگیری کرده و پرخاشگری والدین احتمال زورگویی را در نوجوانان افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش اسپریگز، ایانوتی، ناسل و هاینی^{۲۶} (۲۰۰۷) نشان داد روابط والدین، همسال و انزوای اجتماعی در تمامی گروه‌های نژادی/ قومی به طور مشابه با زورگویی ارتباط دارد. علاوه بر آن زندگی با پدر و مادر (هر دو) محافظی در مقابل مشارکت در زورگویی دانش‌آموزان سفیدپوست بود. یو، لی، لی و کیم^{۲۷} (۲۰۱۵) دریافتند دلبستگی بیشتر به مدرسه با رفتار زورگویی کمتر و دلبستگی به مادر و همسالان با میانجیگری همدلی شناختی نوجوان اثرات غیرمستقیمی روی رفتار زورگویی دارد.

علاوه بر والدین، دلبستگی نوجوان به سایر اعضای خانواده (خواهران و برادران) می‌تواند عنصری تعیین‌کننده در میزان دخالت نوجوان در فرآیند زورگویی باشد. بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته به بررسی ارتباط والدین و فرزندان پرداخته و از دیگر ارتباطات مهم از جمله ارتباط خواهران و برادران در محیط خانواده غافل بوده‌اند. شاید بتوان گفت خواهران و برادران اولین گروه همسال یک کودک را تشکیل می‌دهند که بیشتر وقت خود را با هم می‌گذرانند و این روند تا سنین بزرگسالی و ورود به اجتماع بزرگ‌تر و محیط‌های شغلی هم‌چنان ادامه می‌یابد (مینوچین و فیشرمن^{۲۸}، ۱۹۷۹). مطابق با پژوهش بار، مک لود و دنیل^{۲۹} (۲۰۰۸)، خواهران و برادران می‌توانند در برابر خطرات بیرونی از جمله زورگویی و دوستی با افراد نامطلوب از یکدیگر پشتیبانی کرده و به صورت یک محافظ نقش خود را ایفا کنند. سیسیرلی^{۳۰} (۱۹۸۹) در پژوهشی نشان داد که پیوند نزدیک با یک خواهر (هم در مورد مردان و هم زنان) با افسردگی کمتر ارتباط دارد، هم‌چنین درک زنان از تعارض و بی‌تفاوتی در روابط خود با خواهرشان با افسردگی بیشتری همراه است. در رابطه با گروه همسالان^{۳۱} نیز پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که ارتباط بین همسالان در دوره نوجوانی ارتباط دوجانبه و منحصربه‌فردی است که می‌تواند زمینه‌ساز رشد شایستگی‌های مختلف اجتماعی هم‌چون همدلی و مهارت‌های اجتماعی گردد (لیبل، کارلو و روش^{۳۲}، ۲۰۰۴؛ لیبل، ۲۰۰۷). این در حالی است که نداشتن دوستان حمایت‌گر و حضور همسالان طرد شده با زورگویی و قربانی شدن نوجوان ارتباط دارد و رابطه دوستانه و حمایت‌گر همسالان مانعی در برابر قربانی شدن ایجاد می‌کند (نیکیفورو، جورجیو و استاورینیدس^{۳۳}، ۲۰۱۳). پژوهش والدین و بران^{۳۴} (۲۰۱۰) نشان داد دانش‌آموزان با کیفیت دلبستگی پایین نسبت به همسالان با کیفیت دلبستگی بالا به میزان بیشتری به دیگران زور می‌گویند یا قربانی زورگویی می‌شوند.

در حقیقت جهان در دهه گذشته شاهد افزایش روزافزون خشونت و پرخاشگری در بین نوجوانان و جوانان بوده که این رفتارهای پرخاشگرانه به طرق مختلف از جمله زورگویی فیزیکی، رابطه‌ای، کلامی و... در محیط‌های مختلف از جمله مدرسه، اجتماع و خانواده خود را نشان داده است و به مشکلی جهانی تبدیل شده که همه گروه‌ها و افراد را به طرق مختلف درگیر کرده است (سیمون - مورتون^{۳۵}، به نقل از کریمی^{۳۶}، ۱۳۸۴). همان‌طور که گزارش شد، مطالعات متعدد، ارتباط بین دلبستگی ناایمن در دوران نوزادی و خطر افزایش آسیب‌های روانی، پرخاشگری، رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی در دوران بعدی کودکی و نوجوانی را نشان داده است، اما در تعداد اندکی از پژوهش‌ها به رابطه میان زورگویی و قربانی شدن و کیفیت دلبستگی به طور مستقیم پرداخته شده و از نتایج برخی پژوهش‌ها در حوزه کیفیت دلبستگی کودکان و نوجوانان به پدر و مادر و رفتارهای زورگویی آن‌ها در میان همسالان یافته‌های روشنی گزارش نشده است (کویو^{۳۷}، ۲۰۱۲). به همین دلیل و به دلیل انجام پژوهش‌های اندک در حوزه زورگویی و ارتباط آن با میزان دلبستگی، به نظر می‌رسد

انجام چنین پژوهشی که یافته‌های روشن‌تری در این زمینه ارائه کند درخور اهمیت است؛ بنابراین با توجه به این که یک نوجوان بیشتر عمر خود را در ارتباط با والدین و خواهر و برادر در محیط خانواده و با همسالان در محیط مدرسه می‌گذراند و با در نظر گرفتن این امر که زورگویی ریشه در دوران کودکی و ارتباط با این افراد دارد، در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی و مقایسه میزان دل بستگی در افراد درگیر و غیر درگیر در این پدیده پرداخته شود و میزان دل بستگی نوجوانان به والدین، همسالان و خواهران و برادران در افراد درگیر و غیر درگیر در زورگویی مقایسه گردد.

روش پژوهش

پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای بود که جامعه آماری آن تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهرستان یزد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند.

تعیین حجم نمونه، جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش تمامی نوجوانان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهرستان یزد حدود ۱۶۷۵۲ نفر بودند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ مشغول به تحصیل بودند. در انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بدین صورت که هر دو ناحیه آموزش و پرورش شهر یزد انتخاب و از هر ناحیه به شیوه تصادفی سه دبیرستان و در مجموع شش دبیرستان (سه دبیرستان دخترانه و سه دبیرستان پسرانه) و در هر دبیرستان نیز به شیوه تصادفی دو کلاس در هر سه پایه، از روی تصادف انتخاب شدند و تمام افراد کلاس مورد بررسی جامعه‌سنجی به شیوه‌ای که در ابزار توضیح داده می‌شود قرار گرفتند و سپس مقیاس سنجش روابط همسالان ریگبی و اسلی، پرسش‌نامه دل بستگی به والدین و همسالان و پرسش‌نامه دل بستگی به خواهر و برادر آرمسدن و گرینبرگ روی اعضای نمونه اجرا شد. حجم نهایی نمونه با توجه به جدول آماری کرجسی و مورگان ۳۷۵ نفر بود که با در نظر گرفتن مشکلات موجود در پاسخگویی یا عدم پاسخگویی افراد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نهایی نمونه انتخاب و بر اساس اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه سنجش روابط همسالان، ۸۱ نفر به عنوان زورگو، ۸۸ نفر به عنوان قربانی، ۵۹ نفر به عنوان زورگو - قربانی و ۱۵۶ نفر به عنوان غیر درگیرها مشخص شدند. افراد شرکت‌کننده در بازه سنی بین ۱۴ تا ۱۹ سال با میانگین ۱۵ سال بودند. از لحاظ اطلاعات جمعیت‌شناختی، ۱۳۵ نفر در خانواده‌های چهارنفره (۳۵/۲٪)، ۱۲۳ نفر در خانواده‌های پنج‌نفره (۳۲٪)، ۵۴ نفر در خانواده‌های شش‌نفره (۱۴/۱٪) و ۷۱ نوجوان در خانواده‌های هفت نفر به بالا (۱۸/۶٪) زندگی می‌کردند. علاوه بر این بیشتر افراد شرکت‌کننده (۱۴۹ نفر)، فرزند اول خانواده بودند (۳۸/۸٪)، ۱۱۳ نفر فرزند دوم خانواده (۲۹/۴٪)، ۵۶ نفر فرزند سوم (۱۴/۶٪) و ۶۵ نفر فرزند چهارم و بالاتر (۱۷٪) بودند.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه جامعه‌سنجی^{۳۸}: در بررسی جامعه‌سنجی که معمولاً روی یک کلاس یا یک گروه انجام می‌شود از افراد خواسته می‌شود تا همسالان خود را بر پایه درکی که از آن‌ها دارند، ارزیابی نمایند. پژوهشگران از کودکان می‌خواهند منزلت اجتماعی همسالان خود را گزارش دهند. از کودکان یک کلاس خواسته می‌شود تا از میان همکلاسی‌های خود آن‌هایی را که دوست دارند و دوست ندارند، معرفی کنند؛ یا این‌که همسالان خود را بر حسب میزان همکاری درجه‌بندی نمایند (استکی آزاد و امیری^{۳۹}، ۱۳۹۱). در این پژوهش از نوجوانان خواسته شد تا از میان همکلاسی‌های خود اسامی افراد زورگو، قربانی و افراد جامعه‌پسند را در برگه‌هایی که در اختیارشان قرار داده شد به صورت محرمانه بنویسند و در نهایت با جمع‌بندی پاسخ‌های نوجوانان افراد زورگو و قربانی شناسایی شدند.

مقیاس سنجش روابط همسالان^{۴۰} (PRQ): این پرسش‌نامه توسط ریگی و اسلی (۱۹۹۳)، به نقل از طبیبیان، امیری و مولوی^{۴۱}، (۱۳۹۰) به منظور بررسی روابط همسالان تهیه و تنظیم شده است و یک پرسش‌نامه خودگزارشی است که توسط فرد تکمیل می‌گردد. این ابزار خودگزارشی ۲۰ گویه دارد که در مقیاس لیکرت یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود و شامل سه خرده‌مقیاس زورگویی (هفت سؤال)، قربانی (هفت سؤال) و رفتار مطلوب اجتماعی (شش سؤال) است. پاسخ هر سؤال به صورت مقیاس نگرشی لیکرت از یک تا چهار است. از جمع امتیاز سؤالات در هر خرده‌مقیاس، امتیاز مربوط به آن خرده‌مقیاس حاصل می‌شود. نتایج تحلیل عاملی با استفاده از روش واریماکس در بررسی طبیبیان و همکاران (۱۳۹۰) حاکی از آن بود که این مقیاس همگرایی بالایی با فرم کوتاه پرسش‌نامه سنجش ارزیابی روابط با همگنان (BPEI) دارد و ابزار معتبری در پژوهش‌های روان‌شناختی و بالینی است. ضریب آلفای نسخه فارسی این مقیاس برای سه خرده‌مقیاس زورگویی، قربانی و رفتار جامعه‌پسند به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۰ و ۰/۵۳ گزارش شده است (استکی آزاد و امیری، ۱۳۹۱).

در این پژوهش پایایی آزمون در مورد رفتار جامعه‌پسند، قربانی شدن و زورگویی به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۷۲ و ۰/۷۸ به دست آمد. شایان ذکر است که این پرسش‌نامه اصلی‌ترین نقش را در متمایز کردن نوجوانان زورگو، قربانی و زورگو - قربانی در این پژوهش داشت. شیوه نمره‌گذاری به منظور طبقه‌بندی افراد در گروه‌های زورگو، قربانی، زورگو - قربانی و غیر درگیر از پژوهش نیکیفورو و همکاران (۲۰۱۳) اقتباس شد. به این ترتیب که میانگین نمرات زورگو و قربانی محاسبه گردید و به عنوان معیاری برای شناسایی افراد زورگو، قربانی و زورگو - قربانی در نظر گرفته شد که این میانگین در گروه زورگو برابر با ۱۲/۲۹ و در گروه قربانی برابر با ۱۰/۶۳ بود. بنابراین دانش‌آموزانی که نمرات بالاتر از میانگین زورگویی (۱۲/۲۹) کسب کردند، به عنوان گروه زورگو، افرادی که نمرات بالاتر از میانگین قربانی (۱۰/۶۳) به عنوان قربانی، دانش‌آموزانی که نمراتی بالاتر از

میانگین زورگو و قربانی داشتند به عنوان طبقه زورگو - قربانی و افرادی که در هر دو مقیاس زورگویی و قربانی نمرات پایین‌تر از میانگین را به دست آوردند به عنوان غیر درگیرها مشخص شدند. از اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه جامعه‌سنجی به عنوان مؤیدی بر پرسش‌نامه سنجش روابط همسالان استفاده شد.

پرسش‌نامه دل‌بستگی به والدین و همسال^{۴۲} (IPPA): این پرسش‌نامه به منظور ارزیابی ادراک نوجوانان از بعد مثبت، منفی و عاطفی - ذهنی روابط آن‌ها با والدین، توسط آرمسدن و گرینبرگ در سال ۱۹۸۷ تدوین شده است. هدف از تدوین یا ساخت این پرسش‌نامه، بررسی این موضوع است که چگونه این افراد (والدین و همسالان) می‌توانند منبع امنیت روان‌شناختی برای فرد باشند. این پرسش‌نامه حاوی ۷۵ سؤال است که هر چه نمره‌ها بالاتر باشد، نشان‌دهنده ایمنی بیشتر در روابط است. شرکت‌کنندگان میزان تطابق هر جمله را در مورد خود روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نشان می‌دهند. پرسش‌نامه نمراتی را برای خرده‌مقیاس‌های اعتماد (به عنوان مثال: همسالانم مرا درک می‌کنند)، ارتباطات (به عنوان مثال: همسالانم ناراحتی مرا، زمانی که من در مورد برخی امور غمگینم احساس می‌کنند) و بی‌زاری (به عنوان مثال، من احساس می‌کنم موقعی که با همسالانم هستم، تنها و جدا از آن‌هایم) اختصاص داده است و به همان اندازه، کیفیت دل‌بستگی به طور خلاصه به عنوان درجه‌ای از اعتماد و ارتباط نسبی برای بی‌زاری (اعتماد به اضافه ارتباط و بی‌زاری) تعریف شده است. آرمسدن و همکاران (۱۹۹۱)، در تحقیقی روی یک گروه از آزمودنی‌های ۱۰ تا ۱۶ ساله مبتلا به روان‌پریشی، بین دل‌بستگی ایمن به والدین و نمره‌های افسردگی رابطه منفی بدست آوردند. روایی بازآزمون این پرسش‌نامه در پژوهش پاکدامن، سیدموسوی و قنبری^{۴۳} (۱۳۹۰)، برای والدین ۰/۹۳ و برای همسالان ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش اصلانی، قمری، رضانی و خبازی^{۴۴} (۱۳۹۲) ضریب پایایی برای دل‌بستگی به والدین ۰/۸۹ و برای دل‌بستگی به همسالان ۰/۸۸ به دست آمده است. همچنین در پژوهش مهربانی زاده هنرمند، فتحی و شهنی ییلاق^{۴۵} (۱۳۸۷) ضریب پایایی برای این پرسش‌نامه ۰/۹۳ به دست آمد و در این پژوهش، ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب در مورد دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان ۰/۹۲، ۰/۹۲ و ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسش‌نامه دل‌بستگی به خواهر و برادر^{۴۶} (ISA): ISA از پرسش‌نامه دل‌بستگی به والدین و همسالان (IPPA) آرمسدن و گرینبرگ در سال ۱۹۸۷، اقتباس شده است که با حذف آیتم‌های مربوط به والدین و تغییر بخش‌های مربوط به همسالان برای بررسی روابط خواهر و برادر برگزیده شده است و شرکت‌کنندگان میزان تطابق هر جمله را در مورد خود روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نشان می‌دهند. پرسش‌نامه نمراتی را برای خرده‌مقیاس‌های اعتماد (به عنوان مثال: خواهرم مرا درک می‌کند)، ارتباط (به عنوان مثال: خواهرم ناراحتی مرا، زمانی که من در مورد برخی امور

غمگینم احساس می‌کند) و بی‌زاری (به عنوان مثال، من احساس می‌کنم موقعی که با خواهرم هستم، تنها و جدا از اویم) اختصاص داده است و به همان اندازه، کیفیت دلبستگی به طور خلاصه به عنوان درجه‌ای از اعتماد و ارتباط نسبی برای بی‌زاری (اعتماد به اضافه ارتباط و بی‌زاری) تعریف شده است. این پرسش‌نامه شامل بیست سؤال است و آرمسدن و گرینبرگ پایایی بازآزمون را ۰/۸۶ گزارش کردند. در این پژوهش، پایایی این پرسش‌نامه ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در گروه درگیر (زورگو، قربانی و جامعه‌پسند) و غیر درگیر در زورگویی ارائه شده است.^{۴۷}

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در گروه‌های درگیر و غیر درگیر در زورگویی

تعداد	انحراف معیار	میانگین	گروه‌ها	
۸۱	۲۱/۲۹	۹۱/۳۰	زورگو	نمره کل دلبستگی به مادر
۸۸	۱۸/۹۸	۹۵/۹۴	قربانی	
۵۹	۲۰/۹۱	۸۶/۳۲	زورگو - قربانی	
۱۵۶	۱۴/۳۲	۱۰۱/۱۶	غیر درگیر	
۸۱	۲۰/۴۱	۸۳/۸۳	زورگو	نمره کل دلبستگی به پدر
۸۸	۲۰/۷۳	۸۶/۷۲	قربانی	
۵۹	۱۹/۴۹	۷۹/۳۰	زورگو - قربانی	
۱۵۶	۱۷/۸۱	۹۴/۹۸	غیر درگیر	
۸۱	۱۳/۱۸	۹۰/۴۹	زورگو	نمره کل دلبستگی به همسالان
۸۸	۱۳/۶۶	۸۴/۱۲	قربانی	
۵۹	۱۶/۲۳	۸۱/۲۸	زورگو - قربانی	
۱۵۶	۱۴/۲۴	۹۱/۳۸	غیر درگیر	
۸۱	۱۵/۳۳	۷۷/۳۹	زورگو	نمره کل دلبستگی به خواهر و برادر
۸۸	۱۸/۳۳	۷۸/۵۱	قربانی	
۵۹	۱۸/۵۷	۷۳/۵۷	زورگو - قربانی	
۱۵۶	۱۵/۶۱	۸۵/۱۸	غیر درگیر	

با توجه به نتایج جدول ۱، نمره کل دلبستگی به مادر در گروه زورگو، قربانی، زورگو - قربانی و غیر درگیر نسبت به سایر نمره‌های دلبستگی، از میزان بالاتری برخوردار بود و بعد از آن در گروه زورگو و گروه زورگو - قربانی به ترتیب دلبستگی به همسالان، دلبستگی به پدر و دلبستگی به

خواهران و برادران و در گروه قربانی و گروه غیر درگیر دلبستگی به پدر، دلبستگی به همسالان و دلبستگی به خواهران و برادران بعد از دلبستگی به مادر بیشترین میزان میانگین دلبستگی را به خود اختصاص دادند.

به منظور انجام تحلیل و بررسی تفاوت‌ها بین گروه‌های مختلف درگیر و غیر درگیر، پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها انجام گرفت و مطابق با نتایج به دست آمده، در گروه زورگو، دلبستگی به پدر و همسالان؛ در گروه قربانی، دلبستگی به پدر، همسالان، خواهران و برادران و در گروه زورگو - قربانی، دلبستگی به مادر، پدر و همسالان دارای توزیع نرمال بود.

جدول ۲: نتایج پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها

آزمون شاپیرو - ویلک			متغیر وابسته	گروه‌ها
سطح معناداری	درجه آزادی	آماره		
۰/۲۸	۸۱	۰/۹۸	دلبستگی به پدر	زورگو
۰/۰۹	۸۱	۰/۹۷	دلبستگی به همسالان	
۰/۰۳	۸۸	۰/۹۶	دلبستگی به پدر	قربانی
۰/۳۵	۸۸	۰/۹۸	دلبستگی به همسالان	
۰/۱۶	۸۸	۰/۹۷	دلبستگی به خواهر و برادر	
۰/۰۸	۵۹	۰/۹۶	دلبستگی به مادر	زورگو - قربانی
۰/۸۳	۵۹	۰/۹۸	دلبستگی به پدر	
۰/۴۱	۵۹	۰/۹۷	دلبستگی به همسالان	

هم‌چنین پیش‌فرض لویین مینی بر تساوی واریانس گروه‌ها در جامعه در مورد نمرات دلبستگی به پدر، همسالان و خواهران و برادران تأیید شد. در مواردی که مفروضه‌های موردنظر رعایت نشده است به دلیل حجم بالای نمونه پژوهش، این تخطی مشکلی ایجاد نمی‌کند (مولوی^{۴۸}، ۱۳۸۶).

جدول ۳: نتایج پیش‌فرض لویین

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	ضریب F	
۰/۰۰۴	۳۸۰	۳	۴/۵۸	دلبستگی به مادر
۰/۶۷	۳۸۰	۳	۰/۵۱	دلبستگی به پدر
۰/۴۴	۳۸۰	۳	۰/۸۹	دلبستگی به همسالان
۰/۱۰	۳۸۰	۳	۲/۰۶	دلبستگی به خواهر و برادر

آزمون مانوا در رابطه با نمرات کلی دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران انجام شد که در این آزمون نمره‌های کلی دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران به عنوان متغیر وابسته و گروه‌های درگیر و غیر درگیر در زورگویی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شدند و به منظور بررسی اثرات بین‌گروهی از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شده است. نتایج حاصل از این

آزمون نشان داد که با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($p < 0/0001$)، گروه‌های درگیر و غیر درگیر در زورگویی به میزان متفاوتی به والدین، همسالان و خواهران و برادران‌شان دلبستگی دارند. جدول ۴، آزمون مربوط به اثرات بین‌گروهی در رابطه با نمره کل دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در گروه‌های درگیر و غیر درگیر در زورگویی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: آزمون مربوط به اثرات بین‌گروهی در رابطه با نمره کل دلبستگی به والدین،

همسالان و خواهران و برادران

متغیر وابسته	متغیر مستقل (گروه‌ها)	مجموع برابری‌ها	درجه آزادی	برابری میانگین‌ها	F	سطح معناداری	توان آماری
دلبستگی به مادر	درگیر و غیر درگیر	۱۱۴۱۰/۴۱	۳	۳۸۰۳/۴۷	۱۱/۵۸	۰/۰۰۰۱	۱
دلبستگی به پدر	درگیر و غیر درگیر	۱۳۵۶۵/۱۷	۳	۴۵۲۱/۷۲	۱۲/۰۹	۰/۰۰۰۱	۱
دلبستگی به همسالان	درگیر و غیر درگیر	۶۲۶۹/۸۴	۳	۲۰۸۹/۹۴	۱۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹
دلبستگی به خواهر و برادر	درگیر و غیر درگیر	۷۴۰۰/۴۴	۳	۲۴۶۶/۸۱	۸/۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۹۹

همان‌طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد با توجه به سطوح معناداری بدست آمده ($p = 0/0001$)، بین گروه‌های درگیر و غیر درگیر در پدیده زورگویی از نظر نمره کلی دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران تفاوت معناداری وجود داشت. جدول ۵ نتایج مربوط به مقایسه‌های زوجی نمره کل دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران را نشان می‌دهد.

جدول ۵: مقایسه‌های زوجی دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران

و برادران بر حسب چهار گروه

متغیر وابسته	گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین‌ها (I-J)	خطای انحراف معیار	سطح معناداری
دلبستگی به مادر	زورگو	غیر درگیر	-۹/۸۵	۲/۴۸	۰/۰۰۰۱
	قربانی	زورگو - قربانی	۹/۶۲	۳/۰۴	۰/۰۰۲
		غیر درگیر	-۵/۲۲	۲/۴۱	۰/۰۰۳
دلبستگی به پدر	زورگو - قربانی	غیر درگیر	-۱۴/۸۴	۲/۷۷	۰/۰۰۰۱
	قربانی	زورگو	-۱۱/۱۴	۲/۶۴	۰/۰۰۰۱
		زورگو - قربانی	۷/۴۲	۳/۲۵	۰/۰۰۲
		غیر درگیر	-۸/۲۵	۲/۵۷	۰/۰۰۱
دلبستگی به همسالان	زورگو - قربانی	غیر درگیر	-۱۵/۶۷	۲/۹۵	۰/۰۰۰۱
	زورگو	قربانی	۶/۳۶	۲/۱۹	۰/۰۰۴
		زورگو - قربانی	۹/۲۶	۲/۴۳	۰/۰۰۰۱
		غیر درگیر	-۷/۲۵	۱/۸۹	۰/۰۰۰۱
دلبستگی به خواهر و برادر	زورگو - قربانی	غیر درگیر	-۱۰/۰۹	۲/۱۷	۰/۰۰۰۱
	زورگو	غیر درگیر	-۷/۸۹	۲/۲۸	۰/۰۰۱
		قربانی	-۶/۶۷	۲/۲۲	۰/۰۰۳
		غیر درگیر	-۱۱/۶۱	۲/۵۵	۰/۰۰۰۱

بر اساس یافته‌های حاصل نمره کل دلبستگی به مادر در گروه زورگو و غیر درگیر، قربانی و زورگو - قربانی، قربانی و غیر درگیر و زورگو - قربانی و غیر درگیر معنادار شده است (به ترتیب $p < 0/0001$ ، $p = 0/03$ ، $p = 0/002$ ، $p < 0/0001$) و با توجه به میانگین‌های حاصل از جدول ۱، این نتیجه به دست می‌آید که گروه غیر درگیر نسبت به گروه زورگو، قربانی و زورگو - قربانی به میزان بیشتری به مادر دلبستگی دارند و از آن جایی که میانگین دلبستگی به مادر در گروه قربانی بالاتر از گروه زورگو - قربانی است، می‌توان گفت که قربانیان در مقایسه با زورگو - قربانیان میزان دلبستگی بالاتری به مادر دارند. در رابطه با نمره کلی دلبستگی به پدر بین گروه غیر درگیر با سه گروه درگیر در زورگویی شامل زورگویان، قربانیان و زورگو - قربانیان از یک سو و گروه قربانی و زورگو - قربانی از سوی دیگر تفاوت‌های معناداری مشاهده شد (به ترتیب $p < 0/0001$ ، $p = 0/001$ ، $p < 0/0001$ ، $p = 0/02$) و مشاهده میانگین‌های حاصل نشان داد که میزان دلبستگی به پدر نیز مانند دلبستگی به مادر در گروه غیر درگیر بالاتر از گروه‌های درگیر است و همچنین گروه قربانی در مقایسه با زورگو - قربانیان به میزان بیشتری به پدر دلبستگی دارند.

در مقایسه‌های زوجی نمره کل دلبستگی به همسالان در گروه درگیر و غیر درگیر در زورگویی نتایج بیانگر آن بود که بین گروه غیر درگیر با گروه‌های قربانی و زورگو - قربانی، گروه زورگو و قربانی، گروه زورگو و زورگو - قربانی تفاوت‌های معناداری وجود داشت (به ترتیب $p < 0/0001$ ، $p < 0/0001$ ، $p = 0/004$ ، $p < 0/0001$). در حقیقت گروه غیر درگیر نسبت به گروه قربانی و زورگو - قربانی دلبستگی بالاتری نسبت به همسالان دارند. گروه زورگو نیز در مقایسه با قربانیان و زورگو - قربانیان میزان بالاتری از دلبستگی را نشان می‌دهند. در نهایت با توجه به داده‌های حاصل از جدول بین گروه غیر درگیر با سه گروه درگیر در زورگویی (زورگو، قربانی، زورگو - قربانی) تفاوت‌های معناداری در نمره کلی دلبستگی به خواهر و برادر وجود داشت (به ترتیب $p = 0/003$ ، $p = 0/001$ ، $p < 0/0001$)، به طوری که گروه غیر درگیر در مقایسه با سه گروه زورگو، قربانی و زورگو - قربانی میزان بالاتری از دلبستگی به خواهر و برادر را دارا بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در نوجوانان درگیر و غیر درگیر در پدیده زورگویی بود. برای دستیابی به این هدف تفاوت‌های بین‌گروهی در افراد درگیر و غیر درگیر در زورگویی بررسی شد که نتایج آزمون بین‌گروهی بیانگر آن بود که افراد درگیر و غیر درگیر در زورگویی تفاوت‌های معناداری در میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران دارند. در این میان هم گروه درگیر و هم غیر درگیرها بیشترین میزان دلبستگی را به مادر داشتند که این امر نشان‌دهنده نقش مهم مادر در روابط عاطفی با فرزندان است (سامانی^{۴۹}،

۱۳۸۵). بر اساس یافته‌های پژوهش، هر چهار گروه زورگو، قربانی، زورگو - قربانی و غیردرگیر بیشترین میزان دلبستگی را به مادر داشتند و دلبستگی به مادر در مقایسه با دلبستگی به پدر، همسالان و خواهران و برادران در هر سه گروه به میزان قابل توجهی بالاتر از سایر نمره‌های دلبستگی بود. در تبیین این مسئله می‌توان به این نکته اشاره کرد که دلبستگی رابطه‌ای قوی با یک شخص و یا عشق به یک فرد خاص است و به صورت رابطه دوجانبه خاصی بین نوزاد و مادر تعریف می‌شود (بهروزی، شهنی بیلاق و علیزاده^{۵۰}، ۱۳۹۲).

به عقیده بالبی^{۵۱} (۱۹۸۰)، از آن جایی که مادر از زمان طفولیت همواره در کنار کودک باقی می‌ماند و پاسخ‌گوی نیازهای اوست؛ به مرور زمان کودک پیوند عاطفی باثباتی با او برقرار می‌کند. این بازنمایی درونی، جزء مهمی از شخصیت می‌شود که به عنوان الگوی واقعی درونی، با یک رشته انتظارات درباره در دسترس بودن شخصیت‌های دلبستگی و احتمال فراهم آوردن حمایت در مواقع استرس عمل می‌کند و این تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای تمامی روابط صمیمی در آینده (از کودکی تا نوجوانی و بزرگسالی) می‌شود. از سویی اریکسون^{۵۲} (به نقل از نصرتی، مظاهری و حیدری^{۵۳}، ۱۳۸۵)، در نظریه خود یکپارچگی هویت در برابر سردرگمی نقش را تعارض دوره نوجوانی می‌داند. در این دوره به دلیل هویت‌یابی و کسب استقلال، نوجوان نسبت به اطرافیان و اعضای خانواده‌اش بی‌اعتماد می‌شود. در این میان مادر تنها فردی است که واژه دوستت دارم را به راحتی ادا کرده و حس ویژه خود را به فرزندش انتقال می‌دهد، اما پدر به دلیل وسواس در چگونگی رفتار نوجوان، خواهر و برادر به دلیل حسادت‌های طبیعی و همسالان به دلیل حس رقابت، نمی‌توانند اعتماد نوجوان را به خود جلب کنند. در این دوره مادر به عنوان چهره اصلی دلبستگی محسوب می‌شود و نوجوانان در مواجهه با استرس و اضطراب به او پناه می‌برند (مارکیوس، لافورد، دوپل و هانگارت^{۵۴}، ۲۰۰۶). این نتیجه با پژوهش نیکیفورو و همکاران (۲۰۱۳) همسو است.

در مورد نوجوانان زورگو نتایج بیانگر آن بود که بین میزان دلبستگی به مادر و پدر در این نوجوانان تفاوت وجود دارد و زورگویان مادر را در روابط دلبستگی بر پدر ارجحیت داده و به مادر بیشتر از پدر دلبسته می‌شوند. دلیل احتمالی می‌تواند این باشد که نوجوانان زورگویی که از سوی اجتماع به خاطر رفتار ضداجتماعی‌شان مورد نکوهش قرار می‌گیرند، با سرزنش پدر از او دور شده و لذا با پدر تعارض پیدا می‌کنند و در این میان به دلیل آن‌که عاطفه و مهر مادرانه از سرزنش یک نوجوان زورگو جلوگیری می‌کند، این نوجوانان میزان دلبستگی بیشتری به مادر پیدا می‌کنند. در حقیقت ارتباط عاطفی با مادر است که سبب می‌شود فرزندش به دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد (هیلگارد و اتکینسون^{۵۵}، ترجمه براهنی^{۵۶} و همکاران، ۱۳۸۵). این یافته با پژوهش‌های والدن و بران (۲۰۱۰)، شتگیری و همکاران (۲۰۱۲)، پرن و آلساکر (۲۰۰۶)، اسپریگز و همکاران (۲۰۰۷)، یو و همکاران (۲۰۱۵) و کاکینوز (۲۰۱۳) همسو است.

هم‌چنین مطابق با یافته‌های پژوهش، گروه زورگو به مادر در مقایسه با خواهران و برادران به میزان بیشتری دلبستگی داشتند. در حقیقت رابطه بین خواهران و برادران در کنار مزیت‌هایی هم‌چون همدلی، یکدلی و یکرنگی، حسادت را در بر دارد (بویست، دکوویچ و پرینزی، ۲۰۱۳).^{۵۷} ممکن است گاه این حس حسادت و رقابت تا مراحل حاد نیز پیش رود؛ به گونه‌ای که نگرانی والدین را به همراه داشته باشد (شهیدی، ۱۳۸۹).^{۵۸} نوجوانان زورگو نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آن‌ها مادر را در انحصار خود می‌بینند و انتظار دارند که مرکز توجه مادر قرار گیرند و چون خود را از دیگر خواهر و برادران‌شان برتر می‌بینند، لذا نوعی حسادت و احساس رقابت در جلب رضایت مادر در آن‌ها شکل گرفته و خود را هرچه بیشتر به او نزدیک کرده و از خواهران و برادران‌شان فاصله می‌گیرند.

در رابطه با نوجوانان قربانی، میزان دلبستگی به مادر در این گروه از میزان دلبستگی به پدر، همسال و خواهر و برادر بالاتر بود و علت احتمالی آن است که نوجوان قربانی هنگامی که با قلبی شکسته و روحیه‌ای شرمسار و پراسترس به خانه برمی‌گردد، به دنبال فردی است که این ضربه‌های جسمی و روحی را در او تسکین ببخشد و به دلیل مشغله‌های کاری و فکری یک پدر، در درجه اول نوجوان با مادر خود ارتباط صمیمی‌تری برقرار می‌کند، لذا او را محرم اسرار خود قرار داده و از آن جایی که مادر با نوجوان آسیب‌دیده‌اش ابراز همدردی کرده و او را مورد نکوهش قرار نمی‌دهد، پس میزان دلبستگی بیشتری به مادر پیدا می‌کند. نکته دوم آن است که بین میزان دلبستگی به پدر و خواهران و برادران در این گروه نیز تفاوت وجود داشت. در تبیین این مسئله می‌توان به ضعف نوجوان قربانی و قدرت بدنی کمتر در مقایسه با فرد زورگو اشاره کرد (سعیدی، ۱۳۸۹).

ترس و اضطراب جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی قربانیان زورگویی است (بیتی و الکسیف، ۲۰۰۸). بنابراین هنگامی که پدر، فرزند خود را از گروه دوستانش طرد شده می‌بیند و علائمی از ترس و اضطراب را در او مشاهده کرده و شاهد گوشه‌گیری و انزوای فرزند خود است، سعی می‌کند تا او را حمایت کرده و با استفاده از قدرت و اقتدار خود از بروز مشکلات بعدی در او جلوگیری کند و به این دلیل نوجوان قربانی هم پدر که سعی در برطرف کردن مشکلاتش دارد را به عنوان پناهگاهی امن در بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌بیند. در حقیقت او در پدر قدرتی را مشاهده می‌کند که در خواهر یا برادرش آن را شاهد نیست، بنابراین تکیه‌گاهی نیرومندتر از پدر را نمی‌یابد و روزه‌روز به میزان بیشتری به پدر دلبستگی پیدا می‌کند. هم‌چنین بین دلبستگی به خواهر و برادر و همسالان در گروه قربانی نیز تفاوت‌ها معنادار بود. دلیل احتمالی آن است که قربانیان زورگویی فاقد مهارت‌های اجتماعی و روابط بین‌فردی، عزت نفس و خودپنداره قوی هستند (مقتدایی، امیری، مولوی و استکی آزاد، ۱۳۹۰).^{۵۹} آن‌ها تلاش می‌کنند تا این کمبودها را به گونه‌ای جبران کنند و به دلیل آن‌که نمی‌خواهند خواهر یا برادرشان از این کمبودها و فقدان اعتماد به نفس‌شان آگاهی یابد، همسالان را

در ارتباطات‌شان ترجیح داده و به آنها تکیه می‌کنند و به میزان زیادی به این افراد دل‌بستگی پیدا می‌کنند.

یافته‌های حاصل در رابطه با زورگو - قربانیان هم بیانگر آن بود که این افراد بعد از مادر به همسالان‌شان به میزان بیشتری دل‌بستگی داشتند. در حقیقت این گروه بیش از دو گروه زورگو و قربانی متحمل مشکلاتی از قبیل اعتماد به نفس پایین، پیشرفت تحصیلی ضعیف، اضطراب و بیماری‌های روانی و روان‌تنی هستند (استکی آزاد، ۱۳۹۰). نوجوان زورگو - قربانی که گاه به دیگران زور می‌گوید و گاه قربانی زورگویی می‌شود، دچار سردرگمی هویت و ابهام نقش است و نمی‌تواند توانایی‌هایش را به پدر به عنوان منبع قدرت در خانواده نشان دهد. بنابراین به صورت ناخودآگاه گرایش به همسال به دلیل ترس از طرد شدن از جانب پدر در او شدت می‌گیرد و همسالان را به عنوان محرم اسرار و تسکین درد و رنج‌هایش انتخاب می‌کند. علاوه بر افراد درگیر در زورگویی، غیر درگیرها گروه دیگری هستند که گاه به عنوان تماشاگرانی تعریف می‌شوند که به صورت غیرمستقیم به زورگویان یا قربانیان کمک می‌کنند (اتلس و پپلر^۶، به نقل از پورسید، ۱۳۸۹) و گاهی نیز به عنوان افرادی مورد علاقه دیگران یا جامعه‌پسندها شناخته می‌شوند.

یافته‌های مربوط به اثرات بین‌گروهی نشان داد که نوجوانان غیر درگیر به پدر بیش از همسالان و خواهران و برادران‌شان دل‌بستگی دارند. تبیین احتمالی آن است که پدران به دنبال ایجاد صفات شایسته و مطلوب در نوجوانان خود هستند و فرزندان را که مطابق با اصول مطلوب جامعه رفتار می‌کنند و تعریف و تمجید دیگران را برمی‌انگیزانند، فرزند مطلوب و دلخواه خود در نظر گرفته و متعاقب آن نوجوان غیر درگیر هم به دلیل دریافت بازخورد مطلوب از جانب پدر به سمت او کشیده شده و به پدر دل‌بستگی بیشتری پیدا می‌کند. در نهایت میزان دل‌بستگی به خواهران و برادران هم در گروه درگیر و هم در گروه غیر درگیر در زورگویی کمترین میزان نمرات را در مقایسه با سایر نمرات دل‌بستگی به خود اختصاص داد. تبیین احتمالی این است که رابطه بین خواهران و برادران در کنار مزیت‌هایی هم‌چون همدلی، یکدلی و یکرنگی، حسادت را در بر دارد (بویست و همکاران، ۲۰۱۳). این حس رقابت مخصوصاً در جوامع امروز که خانواده‌ها دو یا سه فرزند دارند، نسبت به خانواده‌های پرجمعیت در گذشته شدت بیشتری دارد (شعاری‌نژاد^۶، ۱۳۹۲) و گاه این احساس تا مراحل حاد نیز ممکن است پیش رود؛ به‌گونه‌ای که نگرانی والدین را به همراه داشته باشد (شهیدی، ۱۳۸۹). بنابراین این‌گونه مشکلات سبب می‌شود که نوجوانان؛ چه آن‌هایی که در فرآیند زورگویی درگیرند و چه آن‌هایی که به عنوان غیر درگیر شناخته می‌شوند، میزان دل‌بستگی کمتری به خواهر یا برادر خود داشته باشند. این یافته‌ها با پژوهش‌های بار و همکاران (۲۰۰۸)، سیسیرلی (۱۹۸۹) و بویست و همکاران (۲۰۰۲) همسو است.

این پژوهش نیز همانند بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی، دارای محدودیت‌هایی از جمله: انجام نشدن پژوهش کیفی هم‌چون مصاحبه حضوری در کنار پاسخ‌گویی افراد به سؤالات پرسش‌نامه به علت محدودیت زمان، محدودیت جغرافیایی و استفاده از ابزارهای خودگزارشی به جای مشاهده رفتار واقعی بود، لذا پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌هایی از این دست که میزان دل‌بستگی را در گروه‌های مختلف می‌سنجد در جامعه‌های آماری گوناگون مورد پژوهش قرار گیرد. هم‌چنین با توجه به آن که تنها ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه بود (که جنبه خودگزارشی دارد)، لازم است تا ابزارهایی هم‌چون مصاحبه یا بررسی زورگو، قربانی و زورگو - قربانی شدن از طریق به‌کارگیری آزمون عملی یا مشاهده طبیعی و بلندمدت در رابطه با نوجوانان مقاطع مختلف به کار گرفته شود تا بدین ترتیب میزان دقت پژوهش‌ها افزایش یابد و در نهایت توصیه می‌شود تا پژوهش‌هایی که سبک دل‌بستگی در این گروه‌ها را می‌سنجد، انجام گیرد تا خلاء پژوهشی موجود در این زمینه نیز تا حدودی برطرف شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Sajedi, Atash Poor, Kamkar & Samsam Shariat
 2. Heller & Backer
 3. Rice
 4. Foroughan
 5. Esteki Azad
 6. Bulling
 7. Kokkinos
 8. Hodae
 9. Bully-victim
 10. Georgiou & Stavrinides
 11. Bentley & Li
 12. Rigby & SLE
 13. Poorseyed, Amiri & Molavi
 14. Kanter
 15. Beaty & Alexeyev
 16. Zandvanian, Daryapoor & Jabbarifar
 17. Ayyubi, Nazarzadeh, Bidel, Bahrami, Tezwal, Rahimi, et al.
 18. Espelage & Swearer
 19. Ledwell & King
 20. Bronfenbrenner
 21. Smith & Myron-Wilson
 22. Sanchez- Macouzet & Drummond
 23. Izadi Tameh, Nemati Dehkord, Nemati Dehkordi
 32. Laible, Carlo & Roesch
 33. Nikiforou, Georgiou & Stavrinides
 34. Walden & Beran
 35. Simoon- Morton
 36. Karimi
 37. Coiv
 38. Sociometry Inventory
 39. Esteki Azad & Amiri
 40. Peer Relationship Questionnaire
 41. Tabaian, Amiri & Molavi
 42. Inventory of Parents and Peer Attachment
 43. Pakdaman, Sayed Mousavi & Ghanbari
 44. Aslani, Ghamari, Ramazani & Khabazi
 45. Mehrabi Zadeh Honarmand Fathi & Shahni Yeylagh
 46. Inventory of Siblings Attachment
۴۷. در این گزارش صرفاً به بررسی نمرات کلی دل‌بستگی پرداخته شده و از اشاره به زیرمقیاس‌های دل‌بستگی به دلیل طولانی شدن مقاله صرف‌نظر شده است.
48. Molavi
 49. Samani
 50. Behroozy, Shahni Yeylagh & Alizadeh
 51. Bowlby
 52. Erikson
 53. Nosrati, Mazaheri & Heidari
 54. Markiewicz, Lawford, Doyle & Hanggart

- | | |
|---------------------------------------|--|
| 24. Mir Hashemi & Nikkhoo | 55. Hilgard & Atkinson |
| 25. Shetgiri, Lin, Avila & Flores | 56. Baraheni |
| 26. Spriggs, Iannotti, Nasel & Haynie | 57. Buist, Deković & Prinzie |
| 27. You, Lee, Lee & Kim | 58. Shahidi |
| 28. Minuchin & Fishman | 59. Moghtadaei, Amiri, Molavi & Steki Azad |
| 29. Barr, McLeod & Daniel | 60. Atlas & Papler |
| 30. Cicirelli | 61. Shoari Nejad |
| 31. Peers | |

منابع

- استکی آزاد، ن. (۱۳۹۰). *اثربخشی برنامه آموزش کاهش زورگویی بر میزان این رفتارهای کودکان پسر پایه‌های دوم و چهارم مقطع ابتدایی شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- استکی آزاد، ن. و امیری، ش. (۱۳۹۱). *اثربخشی برنامه آموزشی کاهش زورگویی مبتنی بر روش الویز در پسران*. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۸(۳)، ۱۸۳-۱۷۵.
- اصلانی، خ، قمری، م، رضانی، ش. و خبازی، م. (۱۳۹۲). *آزمودن مدل دل‌بستگی به پدر و مادر با اضطراب و افسردگی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۳)، ۴۳۷-۴۲۰.
- ایزدی طامه، ا.، نعمتی دهکردی، ش. و نعمتی دهکردی، م. (۱۳۹۲). *بررسی ارتباط سبک‌های دل‌بستگی با خودکارآمدی و خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو*. *فصلنامه پرستاری دیابت*، ۱(۲)، ۶۰-۵۰.
- ایوبی، ع، نظرزاده، م، بیدل، ز، بهرامی، ا، تروال، ج، رحیمی، م. و همکاران (۱۳۹۲). *شیوع قلدری، آسیب عمدی به خود و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی*. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۵(۵۷)، ۳۶۶-۳۷۷.
- بهروزی، ن، شهنی بیلاق، م. و علیزاده، ی. (۱۳۹۲). *رابطه دل‌بستگی به والدین و همسالان با کمال‌گرایی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های دولتی*. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰(۱۷)، ۵۰-۲۳.
- پاکدامن، ش.، سید موسوی، پ. و قنبری، س. (۱۳۹۰). *کیفیت دل‌بستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران*. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱(۱۷)، ۸۵-۱۰۰.
- پورسید، ر. (۱۳۸۹). *بررسی اثربخشی آموزش والدین و کودکان بر میزان زورگویی کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- پورسید، س. ر.، امیری، ش. و مولوی، ح. (۱۳۸۹). *اثربخشی برنامه آموزش کاهش زورگویی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی*. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۲، ۱۲۱-۱۱۳.
- رایس، ف. (۲۰۰۱). *رشد انسان، روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ*. ویرایش ۴. ترجمه م. فروغان. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات ارجمند.
- زندوانیان، ا.، دریاپور، ا. و جباری‌فر، ت. (۱۳۹۱). *رابطه جو مدرسه و زورگویی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد*. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۶(۲)، ۶۲-۴۵.
- ساجدی، س.، آتش‌پور، ح.، کامکار، م. و صمصام شریعت، م. (۱۳۸۸). *تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر روابط بین‌فردی، عزت نفس و ابراز وجود دختران نابینا*. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۳۹)، ۲۵-۱۵.
- سامانی، س. (۱۳۸۵). *مقایسه دل‌بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر شیراز*. *میان‌رشته‌ای: علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۴۹، ۹۹-۱۱۲.

- سعیدی، ع. (۱۳۸۹). زورگویی در مدارس. *علوم تربیتی: پیوند*، ۳۶۹، ۳۷۰ و ۳۷۱، ۶۵-۶۰.
- شهیدی، م. (۱۳۸۹). کاهش‌دهنده‌های رقابت میان خواهران و برادران. *فصلنامه رشد آموزش مشاوره مدرسه*، ۱۵، ۴۳-۴۰.
- شعاری‌نژاد، ع. ا. (۱۳۹۲). *روان‌شناسی رشد*. تهران: نشر اطلاعات.
- طبیبیان، ر.، امیری، ش. و مولوی، ح. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عامل، پایایی، روایی و روایی تشخیصی پرسش‌نامه سنجش روابط همسالان (PRQ). *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۳(۲)، ۸۳-۶۳.
- کریمی، ی. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی شخصیت*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مقتدایی، م.، امیری، ش.، مولوی، ح. و استکی آزاد، ن. (۱۳۹۰). اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی شدن کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۲)، ۱۳۹-۱۲۳.
- مولوی، ح. (۱۳۸۶). *راهنمای عملی SPSS ویرایش‌های ۱۰، ۱۳ و ۱۴ در علوم رفتاری*. اصفهان: پویش اندیشه.
- مهرابی زاده هنرمند، م.، فتحی، ک. و شهنی بیلاق، م. (۱۳۸۷). بررسی افسردگی، هیجان خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دلبستگی و وضعیت اقتصادی اجتماعی به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان پسر شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱(۱)، ۱۵۳-۱۸۷.
- میرهاشمی، م. و نیکخو، م. (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و محرومیت ارتباطی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۲(۵)، ۷۵-۸۸.
- نصرتی، م. ص.، مظاهری، م. ع. و حیدری، م. (۱۳۸۵). بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) به والدین و همسالان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۵)، ۳۶-۵۲.
- هدایی، ز. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با پدیده بولینگ در دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران.
- هیلمگارد، ا. و اتکینسون، آر. سی. (۱۹۷۵). *زمینه روان‌شناسی هیلمگارد*. ترجمه م. ت. براهنی و همکاران (۱۳۸۵). تهران: انتشارات رشد.

- Armsden, G. C., McCauley, E., Greenberg, M. T., Burke, P., & Mitchell, J. (1991). Parent and peer attachment in early adolescence depression. *Journal of Youth and Adolescence*, 18, 683-692.
- Aslani, K. H., Ghamari, M., Ramazani, S., & Khabazi, M. (2013). [Testing model of attachment to parents with anxiety and depression, with mediation role of attachment to God]. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 3(3), 420-437 [in Persian].
- Ayyubi, E., Nazarzadeh, M., Bidel, Z., Bahrami, A., Tezwal, J., Rahimi, M., et al. (2013). Prevalence of bullying and deliberated self-harm behaviors among high school students. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 1(57), 366-377 [in Persian].
- Barr, J., McLeod, S., & Daniel, G. (2008). Siblings of Children with Speech Impairment: Cavalry on the Hill. *Language, Speech & Hearing Services in Schools*, 39(1), 21-32.
- Beaty, L. A. & Alexeyev, E. B. (2008). The problem of school Bullies: What the research tells us. *Journal of Adolescence*, 43(169), 1-11.
- Behroozy, N., Shahni Yeylagh, M., & Alizadeh, Y. (2013). [The Relationship of Parent and Peer Attachment with Perfectionism and Academic Performance in Male High School Students in Ilam]. *Journal of Educational Psychology*, 10(17), 23-50 [in Persian].

- Bentley, K. M., & Li, A. K. F., (1995). Bully and victim problems in elementary schools and students beliefs about aggression. *Canadian Journal of School Psychology, 11*, 153-165.
- Bowlby, J. (1982). *Attachment and Loss*. Vol2. Attachment. 2nd Ed. New York: Basic Books.
- Bronfenbrenner, U. (1997). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Buist, K. L., Deković, M., & Prinzie, P. (2013). Sibling relationship quality and psychopathology of children and adolescents: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review, 33*, 97-106.
- Cicirelli, V. G. (1989). Feelings of attachment to siblings and well-being in later life. *National Institutes of Health, 4*(2), 211-216.
- Espelage, D. L., & Swearer, S. M. (2003). Research on school bullying and victimization: What have we learned and where do we go from here. *School Psychology Review, 32*, 365-383.
- Esteki Azad, N. (2011). *[Effectiveness of educational programs to reduce bullying behaviors on the second and fourth grades of primary school boys in Isfahan]* Master Degree Dissertation. Isfahan University [in Persian].
- Esteki Azad, N., & Amiri, S. (2012). *[Effectiveness of Olweus Bullying Prevention Program on Iranian Boys]*. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 18*(3), 175-183 [in Persian].
- Georgiou, S. N., & Stavrinides, P. (2008). Bullies, victims and bully-victims: Psychological profiles and attribution styles. *School Psychology International, 29*(5), 574-589.
- Heller, T. L. & Backer B. L. (2010). Maternal Negativity and Children's Externalizing Behavior. *Journal of Early Education & Development, 11*(4), 483-498.
- Hilgard, E. & Atkinson, R. C. (2006). *Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology* (M. T. Baraheni et al. Trans.). Tehran: Roshd Press [in Persian].
- Hodae, Z. (2011). *[Investigating relationship between attachment styles with the bullying phenomenon among students]*. Master Degree Dissertation, Islamic Azad University of Tehran [in Persian].
- Izadi Tameh, A., Nemati Dehkordi, S., & Nemati Dehkordi, M. (2013). *[Investigation on Relationship between Attachment Styles with Self- Efficacy and Self-Care in Patients with Type 2 Diabetes]*. *Journal of Diabetes nurse, 1*(2), 50-60 [in Persian].
- Karimi, Y. (2005). *[Personality Psychology]*. Tehran: Payam Noor University Publications [in Persian].
- Koiv, K. (2012). Attachment Styles among Bullies, Victims and Uninvolved Adolescents. *Psychology Research, 2*(3), 160-165.
- Kokkinos, C. M. (2013). Bullying and Victimization in Early Adolescence: Associations with Attachment Style and Perceived Parenting. *Journal of School Violence, 12*(2), 174-192.
- Laible, D. (2007). Attachment with parents and peers in late adolescence: Links with emotional competence and social behavior. *Personality and Individual Differences, 43*, 1185-1197.

- Laible, D., Carlo, G., & Roesch, S. (2004). Pathways to self-esteem in late adolescence: The role of parent and peer attachment, empathy, and social behaviours. *Journal of Adolescence*, 27, 703-716.
- Ledwell, M., & King, V. (2013). Bullying and Internalizing Problems: Gender Differences and the Buffering Role of Parental Communication. *Journal of Family Issues*, 38 (5), 343-466
- Markiewicz, D., Lawford, H., Doyle, A. B., & Hanggart, N. (2006). Developmental differences in adolescents and young adults' use of mothers, fathers, best friends and romantic partners to fulfill attachment needs. *Journal of Youth adolescence*, 35 (1), 40-127.
- Mehrabi Zadeh Honarmand, M., Fathi, K., & Shahni Yeylagh, M. (2008). Depression, sensation seeking, aggression, attachment styles and socioeconomic status as predictors of drug dependence in Ahwaz adolescence. *Journal of Education and Psychologist*, 1(15), 153-187 [in Persian].
- Minuchin, S. & Fishman, H. C. (1979). The Psychosomatic Family in Child Psychiatry. *Journal of the American Academy of Child Psychiatry*, 18(1), 76-90.
- Mir Hashemi, M., & Nikkhoo, M. R. (2007). [Attachment styles and Communicational deprivation]. *Applied Psychology*, 2(5), 75-88 [in Persian].
- Moghtadaei, M., Amiri, S., Molavi, H., & Steki Azad, N. (2012). [Effectiveness of Training Program based on Social Skills on Level of Victim Behaviors in Primary School boys of Isfahan City]. *Journal of Social Psychology Research*, 1(2), 123-139 [in Persian].
- Molavi, H. (2007). [Practical guide of 10-13-14 SPSS in behavioral sciences]. Isfahan: Pooyesh Andisheh Publication [in Persian].
- Nikiforou, M., Georgiou, S. N., & Stavrinides, P. (2013). Attachment to Parents and Peers as a Parameter of Bullying and Victimization. *Journal of Criminology*, 1-9: doi.org/10.1155/2013/484871.
- Nosrati, M. S., Mazaheri, M. A., & Heidari, M. (2006). [Developmental Consideration of Relationship between Identity Sources with Level of Secure Attachment in Adolescent Boys (14, 16 & 18 years old) to Parents and Peers]. *Journal of Family Research*, 2(5), 35-53 [in Persian].
- Pakdaaman, S., Sayed Mousavi, P., & Ghanbari, S. (2011). The quality of attachment and behavioral problems - emotional Adolescents: The Role of Fathers. *Journal of Applied Psychology*, 1(17), 85-100 [in Persian].
- Perren, S., & Alsaker, F. D. (2006). Social behavior and peer relationships of victims, bully-victims, and bullies in kindergarten. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 47(1), 45-57.
- Poorseyed, S. R. (2010). [Investigating the effectiveness of parents and children training on bullying in children]. Master Degree Dissertation. Isfahan University [in Persian].
- Poorseyed, S. R., Amiri, S., & Molavi, H. (2010). [Effectiveness of educational programs to reduce bullying in fifth grade]. *Journal of Research on Exceptional Children*, 10(2), 113-12 [in Persian].
- Rice, F. (2001). *Human development, developmental psychology from birth to death* (M. Foroughan Trans.). 4th Ed. Tehran: Arjmand press [in Persian].
- Saeidi, A. (2010). [Bulling in schools]. *Education Sciences: Peyvand*, (369, 370,371), 60-65 [in Persian].

- Sajedi, S., Atash Poor, H., Kamkar, M., & Samsam Shariat, M. (2009). [Life skills education impacts on blind girls' interpersonal relationships, self-esteem and assertiveness]. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 39(11), 15-25 [in Persian].
- Samani, S. (2006). Comparison of attachment to father, mother and friends in group of secondary school students in Shiraz. *Interdisciplinary: Social and humanity sciences*, 49, 99-112 [in Persian].
- Sanchez-Macouzet, O., & Drummond, H. (2011). Sibling bullying during infancy does not make wimpy adults. *Biology letters*, 7(6), 869-871.
- Shahidi, M. (2010). [Competition Reducers among Siblings]. *Journal of Development: School Counselor Training*, 15, 40-43 [in Persian].
- Shetgiri, R., Lin, H., Avila, R. M., & G. Flores. (2012). Parental characteristics associated with bullying perpetration in US children aged 10 to 17 years. *American Journal of Public Health*, 102(12), 2280-2286.
- Shoari Nejad, A. A. (2013). [*Developmental Psychology*]. Tehran: Etela'at Publications [in Persian].
- Smith, P. K., & Myron-Wilson, R. (1998). Parenting and school bullying. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 3(3), 405-17.
- Smith, P. K., & Myron-Wilson, R. (1998). Parenting and school bullying. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 3(3), 405-17.
- Spriggs, A. L., Iannotti, R. J., Nasel, T. R., & Haynie, D. L. (2007). Adolescent Bullying Involvement and Perceived Family, Peer and School Relations: Commonalities and Differences across Race/Ethnicity. *Journal of Adolescence Health*, 41(3), 283-93.
- Tabaian, R., Amiri, SH., & Molavi, H. (2011). [Factor analysis, reliability, convergent and discriminate validity of the peer relationships questionnaire (PRQ)]. *Journal of Studies on Education and Learning*, 2(3), 63-83 [in Persian].
- Walden, L. M., & Beran, T. N. (2010). Attachment quality and bullying behavior in school aged youth. *Canadian Journal of School Psychology*, 25(1), 5-18.
- You, S., Lee, J., Lee, Y., & Kim, A. Y. (2015). Bulling among Korean adolescents: The role of empathy and attachment. *Psychology in school*, 52(6), 594-606.
- Zandvanian, A., Daryapoor, E., & Jabbarifar, T. (2012). [Relationship between school atmosphere and bullying among high school students of Yazd city]. *Journal of Education Sciences of Shahid Chamran University*, 2(6), 45-62 [in Persian].